

### هجوم واردات غیررسمی در بازار پوشاک

در حالی که تولیدکنندگان پوشاک با کمبود مواد اولیه و تخصصی ارز قطره چکانی دست وپنجه نرم می‌کنند، موج رو به افزایش واردات غیررسمی و پوشاک استوک نیز به گفته مشاور ارشد اتحادیه تولید و صادرات پوشاک و نساجی تقاضای داخلی را از مسیر رسمی منحرف کرده و به تهدیدی جدی برای برندهای ایرانی و آینده صنعت پوشاک کشور بدل شده است.

مجید نامی - مشاور ارشد اتحادیه تولید و صادرات پوشاک و نساجی - در گفت‌وگو با ایسنا گفت: ما یک بحث کلی داریم که تأثیر زیادی بر بازار و تقاضا دارد و آن، مسأله تورم بسیار شدید در چندین سال گذشته است. هیچ سالی نبوده که نرخ تورم زیر حداقل ۴۰ درصد باشد. البته آنچه مردم واقعاً احساس می‌کنند با آمار رسمی اعلام شده کاملاً متفاوت است، ولی آنچه رسمی اعلام می‌شو، نرخ تورم حداقل ۴۰ درصد است. امسال تا این لحظه نرخ تورم بیش از ۵۰۰ درصد بوده است. افزایش از سوی دیگر، برخی مایحتاج اصلی مردم، به ویژه خوراک و مواد غذایی، با وجود حمایت های دولتی بیشترین میزان تورم را داشته‌اند. با توجه به افزایش قیمت ها، بخش پوشاک افزایش قیمت زیادی نداشته و حتی زیر میزان تورم بوده است. این نشان می‌دهد که تقاضا در بازار کم است و کاهش تقاضا ناشی از کوچک شدن سبد خانوار است.

نامی ادامه داد: این وضعیت فشار زیادی به برندها وارد کرده است. مشکل بزرگی که برندها و فعالان بخش ریپل دارند، افزایش شدید اجاره‌بها است و دارندگان مراکز خرید نیز با شرایطی مواجه شده‌اند که هزینه شارژ برخی مراکز خرید حتی از خود اجاره بیشتر است و هیچ نظارتی هم بر آن وجود ندارد. این موضوع باعث افزایش قیمت‌ها و کاهش حاشیه سود برندها و کل بخش خرده‌فروشی شده است. هزینه‌ای که در بخش خرده‌فروشی به شرکت ایرانی تحمیل می‌شود، بسیار بالاتر از استانداردهای بین‌المللی است.

مشاور ارشد اتحادیه تولید و صادرات پوشاک و نساجی گفت: افزایش نرخ ارز نیز باعث شده از ابتدای سال، قیمت مواد اولیه چندین بار افزایش یابد. به دلیل تخصیص نامنظم ارز، شرکت‌هایی که از ابتدای سال ثبت سفارش کرده‌اند هنوز مواد اولیه ابتدایی مانند الیاف، تجهیزات ماشین آلات یا قطعات خود را دریافت نکرده‌اند و تخصیص ارز به صورت قطره چکانی انجام می‌شود. این مسائل باعث ایجاد عدم اطمینان نسبت به تأمین مواد اولیه شده است و همه چیز در بازار با نرخ آزاد محاسبه می‌شود.

نامی افزود: شرکت‌های تولیدکننده مواد اولیه هم قیمت‌های خود را افزایش داده‌اند و هم نمی‌دانند با چه قیمتی کالای خود را عرضه کنند و آیامی‌توانند مواد اولیه‌شان را به موقع تهیه کنند یا نه. آن‌ها مجبور هستند به صورت قطره چکانی و بافاصله طولانی، محصولاتشان را عرضه کنند. این مسائل هم باعث افزایش قیمت‌ها، کاهش سود و گردپول و هم ایجاد مشکل برای کل صنعت و اقتصاد شده است.

اوگت: آمارهای اخیر نشان می‌دهد که به‌رغم هدف‌گذاری رشد اقتصادی ۸ درصدی، رشد اقتصادی امسال منفی بوده است.

نامی ادامه داد: در مورد ارز و تخصیص آن، تولیدکنندگان و واردکنندگان به سختی می‌توانند ارز مورد نیاز خود را دریافت کنند. واردکنندگان در حوزه پوشاک در گذشته ارز دولتی داشتند، اما اکنون باید از ارزیابی‌های استفاده کنند. در مورد مواد اولیه مانند پارچه، نخ و الیاف، بخشی از الیاف همواره از مبادله‌ای دریافت می‌کردند و نرخ ارز دولتی برای برخی نخ‌های مصوب هنوز پرداخت می‌شود، ولی دریافت آن بسیار سخت و با صرف طولانی است. وضعیت نخ نیز مشابه است و برای پارچه و ماشین‌آلات هم همین شرایط وجود دارد. امسال گفته شده که واردات پارچه از ارز دولتی خارج شده و باید با نرخ نیمایی و صادراتی انجام شود، ولی دریافت ارز به راحتی امکان پذیر نیست. او افزود: با توجه به رویه‌هایی مانند ته‌نچی و کولبری و مرزی، بسیاری از تجار ترجیح می‌دهند کالاها را از این مسیرها وارد کنند، زیرا نرخ‌های بین‌تر است و کار با سهولت و سرعت بیشتری انجام می‌شود. نامی گفت: تورم و نرخ بالای ارز باعث افت تقاضا شده است. این شرایط باعث شده که برخی از طبقات ضعیف‌تر جامعه و دهک‌های پایین‌تر پیدا کنند. مصرف لباس دست‌دوم همیشه وجود داشته و در گذشته نیز در داخل و خارج کشور تمایل به آن بوده است، ولی در ایران به دلیل مسائل فرهنگی، کمتر مورد توجه بوده است.

مشاور ارشد اتحادیه تولید و صادرات پوشاک و نساجی، افزود: واردات پوشاک استوک نیز به شدت افزایش یافته است. تجار غیرقانونی که کالاها را وارد می‌کنند، به شدت به سمت واردات پوشاک استوک با قیمت بسیار پایین رفته‌اند؛ گاهی حتی قیمت این کالاها از قیمت مواد اولیه نیز کمتر است. این کالاها که شامل باقی‌مانده یا محصولات مشکل‌دار برندهای معروف کشورها و مختلف هستند، جمع‌آوری شده و با قیمت بسیار نازل وارد کشور می‌شوند و با سود بسیار بالا به فروش می‌رسند. این روند رو به رشد، تهدید جدی برای صنعت، بخش خرده‌فروشی و برندهای داخلی ما است.

اوگت: تورم، افزایش نرخ ارز، مشکلات تأمین مواد اولیه، افزایش هزینه‌های مراکز خرید و واردات غیرقانونی، همه با هم تأثیر بسیار زیادی بر تولید و اشتغال در داخل کشور داشته و شرایط دشواری برای اقتصاد ایجاد کرده است.

سه شنبه ۱۴۰۴ • ۰۹ • ۱۸ سال هشتم شماره ۲۲۷۲

۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ / ۹ دسامبر ۲۰۲۵

«آرمان ملی» در گفت‌وگو با برزوحق شناس بررسی می‌کند

# توسعه پشت خط ناترازی بودجه



**بلا تکلیفی بودجه با ۷۰۰۰ همت پروژه ناتمام**

**توقف توسعه در ایستگاه پایان بودجه‌های عمرانی**

آرمان ملی – صدیقه بهزاد پور: کسری بودجه رویکردی مرسوم در دولت‌های مختلف از ابتدا تاکنون بوده که البته همواره با نوساناتی روبه‌رو بوده است. اما تقریباً می‌توان گفت که هیچ دولتی از آن مصون نبوده است. این امر به خصوص در حال حاضر که کشور با مشکلات متعددی روبه‌روست، خود را بیش‌تر از هر زمان دیگر نشان داده است. عدم تخصیص بودجه برای پروژه‌های عمرانی در جدید در سال آینده، مسأله‌ای است که در چندین سال گذشته نیز وجود داشته است، اما شاید برای برهیزر از این رویکرد منفی،

**«در حال حاضر، تأکید بر این است که با توجه به وضعیت بودجه امسال، آقای پزشکشان اعلام کرده‌اند که دیگر امکان تخصیص بودجه برای پروژه‌های عمرانی جدید وجود ندارد. دلیل این تصمیم، وجود مبلغ بسیار زیاد و تعداد زیادی پروژه نیمه‌کاره عمرانی اعلام کرده‌اند. نظر شما در این باره چیست؟**

اینکه آقای پزشکشان با شفافیت و صداقت در ارتباط با وضعیت بودجه عمرانی، به مردم اطلاع داده‌اند که در حال حاضر امکان تخصیص بودجه برای پروژه‌های عمرانی جدید وجود ندارد، شاید این رویکرد صادقانه و واضح ایشان در رسانه‌ها، نشان دهنده تعهد به شفافیت و ارتباط مؤثر با جامعه است و می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به دولت و نهاد‌های اجرایی کمک کند. اما با این حال، این تصمیم به خودی خود چالش‌هایی را نیز به همراه دارد. اگر هیچ بودجه‌ای به پروژه‌های عمرانی اختصاص نیابد، مقوله توسعه در حوزه‌های مختلف به شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. این موضوع می‌تواند منجر به غفلت از نیازهای اساسی زیرساختی و خدمات عمومی شود و در نهایت به کاهش کیفیت زندگی مردم منجر شود. در حقیقت در تحلیل این رویکرد باید گفت که، عدم تخصیص بودجه به پروژه‌های عمرانی می‌تواند به توقف یا کندی روند توسعه اقتصادی منجر شود. در واقع، پروژه‌های عمرانی نه تنها به بهبود زیرساخت‌ها کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی در مناطق مختلف نیز منجر شوند. بنابراین، غفلت از این پروژه‌ها می‌تواند به بیکاری و کاهش درآمدی، عدم خانوارها منجر شود. علاوه بر این، در ابعاد اجتماعی، عدم توجه به پروژه‌های عمرانی می‌تواند به نارضایتی عمومی و افزایش فشارهای اجتماعی منجر شود. مردم انتظار دارند که دولت به نیازهای آنها پاسخ دهد و این نیازها شامل بهبود زیرساخت‌ها و خدمات عمومی است. بنابراین، اگر دولت نتواند به این نیازها پاسخ دهد، ممکن است با واکنش‌های منفی از سوی جامعه مواجه شود. قطعاً این وضعیت نیازمند یک رویکرد جامع و برنامه‌ریزی دقیق است. دولت باید به دنبال راهکارهایی باشد که بتواند با وجود محدودیت‌های مالی، پروژه‌های عمرانی را به نحوی مدیریت کند که توسعه اقتصادی و اجتماعی در تحت تأثیر قرار ندهد. این می‌تواند شامل اولویت بندی پروژه‌ها، جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و همکاری با بخش‌های مختلف جامعه باشد. به این ترتیب، می‌توان به یک توسعه پایدار و متوازن دست یافت که به نفع همه اقشار جامعه باشد.

**دولت باید به دنبال راهکارهایی باشد که بتواند با وجود محدودیت‌های مالی، پروژه‌های عمرانی را به نحوی مدیریت کند که توسعه اقتصادی و اجتماعی در تحت تأثیر قرار ندهد**

**« پیامدهای ناترازی بودجه بیپایی در دولت‌های گذشته چیست و تبعاتی را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و... به دنبال خواهد داشت؟**

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، ایران در حال حاضر با چالش‌های جدی در خصوص شاخص‌های توسعه اقتصادی، از جمله تولید ناخالص داخلی (جی‌دی‌پی) و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف مواجه است. این وضعیت نشان دهنده عدم رشد کافی و ناپایداری در اقتصاد کشور است. وقتی آقای پزشکشان به صراحت اعلام می‌کنند که امکان تخصیص بودجه برای پروژه‌های عمرانی وجود ندارد، این موضوع به وضوح نشان دهنده چالش‌های عمیق‌تری است که کشور با آن روبه‌رواست. عدم تخصیص بودجه به پروژه‌های عمرانی، به معنای عدم توانایی در ایجاد شغل‌های جدید و بهبود بازار کار است. این وضعیت می‌تواند به کاهش تولید داخلی و عدم توانایی در رقابت با بازارهای جهانی منجر شود. در واقع، اگر دولت نتواند به توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های عمرانی بپردازد، این به معنای جدا افتادن از اقتصاد جهانی و عدم توانایی در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی خواهد بود. برای مقابله با این چالش‌ها، نیاز به یک رویکرد جامع و راهکارهای مؤثر وجود دارد. یکی از این راهکارها می‌تواند کاهش بودجه برخی از سازمان‌ها و نهاد‌هایی باشد که به صورت فرمایشی فعالیت می‌کنند و بودجه‌های سنگینی را به خود اختصاص داده‌اند. این اقدام می‌تواند منابع مالی را آزاد کند و به دولت اجازه دهد که این منابع را به پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای اختصاص دهد. علاوه بر این، دولت باید به دنبال جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و همکاری با بخش‌های مختلف جامعه باشد. این می‌تواند شامل ایجاد

armanmeli.ir

# آرمان ملی



در ظاهر ردیف‌های بودجه بسیاری نیز برای آن اختصاص یافته است که در نهایت به کارنامه‌ای پر از پروژه‌های نیمه تمام برای دولت‌های بعدی، محدود شده است. رویکردی که رئیس جمهور دولت چهارم را واداشت تا در یک موضع‌گیری بی سابقه از کسری بودجه اعلام کند؛ که با توجه به نیمه‌تمام بودن ۷۰۰۰ همت پروژه، دولت امکان پذیرش هیچ پروژه جدیدی را ندارد. رویکردی که با واکنش‌های مختلفی انجامید. در گفت‌وگو با برزوحق شناس کارشناس و تحلیلگر اقتصادی در این باره گفت‌وگو کرده‌ایم.

مشوق‌های مالی برای سرمایه‌گذاران، تسهیل فرآیندهای اداری و قانونی و همچنین ارتقای زیرساخت‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاری باشد. همچنین، بهبود مدیریت منابع و برنامه‌ریزی دقیق در تخصیص بودجه‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند. در حقیقت اینکه دولت باید به جای تمرکز بر پروژه‌های جدید، بر روی پروژه‌های نیمه‌کاره و اولویت‌دار تمرکز کند و با استفاده از منابع موجود، این پروژه‌ها را به نتیجه برساند، رویکرد خوبی است. اما بی‌توجهی به اجرای پروژه‌های جدید و مورد نیاز در حوزه‌های مختلف نیز رویکرد مطلوبی تلقی نمی‌شود، چرا که این اقدامات می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش تولید داخلی منجر شود و در نتیجه، کشور را به سمت توسعه پایدار و متوازن هدایت کند. این رویکرد نه تنها به نفع اقتصاد ملی خواهد بود، بلکه می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رضایت عمومی نیز کمک کند.

**اگر ایران به دلیل کمبود بودجه در حوزه‌های مختلف اقتصادی عقب بماند، در آینده ناچار به اتخاذ تدابیری خواهد شد که ممکن است به افزایش قیمت‌ها و فشار بر روی مردم منجر شود**

**« به نظر شما اولویت بخشی به کدام مسائل می‌تواند در کشور توسعه و رشد اقتصادی و حداقل تأمین رفاه معیشتی را بر مردم در شرایط کنونی به همراه داشته باشد؟**

مسائل سیاسی نقش بسیار مهمی در وضعیت اقتصادی کشور دارند. در واقع، اقتصاد ایران به شدت تحت تأثیر مسائل سیاسی، تصمیم‌گیری‌های کلان و روابط بین‌المللی قرار دارد. بنابراین، تمرکز بر روی مسائل سیاسی و ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند. یکی از راهکارهای اصلی در این راستا، ایجاد ثبات سیاسی و بهبود روابط با کشورهای دیگر است. این موضوع می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، افزایش تجارت و بهبود شرایط اقتصادی کمک کند. بهبود روابط دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای همسایه و دیگر کشورهای می‌تواند به کاهش تحریم‌ها و افزایش فرصت‌های اقتصادی منجر شود. علاوه بر این، دولت باید به دنبال اصلاحات در نظام سیاسی و اقتصادی باشد. این اصلاحات می‌تواند شامل بهبود شفافیت، کاهش فساد، تقویت نهادهای قانونی و ایجاد محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری باشد. همچنین، تقویت مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی در فرآیند تصمیم‌گیری می‌تواند به ایجاد راهکارهای مؤثر و پایدار کمک کند. بر این اساس، اگر مسئولان کشور بتوانند بر روی مسائل سیاسی تمرکز کنند و راهکارهای مناسبی برای بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی ارائه دهند، این می‌تواند به تدریج به رشد شاخص‌های توسعه اقتصادی منجر شود. این رویکرد نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و رضایت مردم نیز منجر شود. قطعاً توجه به مسائل سیاسی و اقتصادی به عنوان دوری یک سکه، می‌تواند به ایجاد یک آینده پایدار و موفق برای کشور کمک کند.

**« پیشکش‌ها شما برای تمرکز بیشتر روی مسائل اقتصادی و رفع مشکلات در این خصوص به ویژه بری مردم چیست؟ در حال حاضر با توجه به اینکه در وضعیتی هستید که زیر بار تح فشار چالش‌های امنیتی و نظامی هستیم و در حالت نه جنگ و نه صلح قرار داریم، قطعاً نمی‌توانیم روی مسائل اقتصادی متمرکز شویم و پیشبردی در این قضیه داشته باشیم و نهایت تصمیم‌گیری‌ها به اینجا می‌انجامد که مجبور شویم تعریف برخی از کالاها و خدمات مانند بنزین، مالیات و... را افزایش دهیم که البته آن هم سیاستی محدود است، ما تاکی می‌توانیم با اجرای این سیاست‌ها خلأهای بودجه**

**« اگر در نهایت با توجه به شرایط کنونی، بودجه‌ای برای پروژه‌های عمرانی جدید اختصاص یابد و یا حتی همچون دولت‌های گذشته، همچنان پروژه‌های نیمه‌کاره به دولت‌های بعدی انتقال پیدا کند، چه عواقبی را شاهد خواهیم بود؟**

اگر ایران به دلیل کمبود بودجه در حوزه‌های مختلف اقتصادی عقب بماند، در آینده ناچار به اتخاذ تدابیری خواهد شد که ممکن است به افزایش قیمت‌ها و فشار بر روی مردم منجر شود. این اقدامات، مانند افزایش قیمت بنزین یا سایر اجزا، تنها بار مالی بیشتری را بر دوش مردم خواهد گذاشت و می‌تواند به افزایش نرخ تورم و گرانی‌ها منجر شود. این وضعیت نه تنها به کاهش قدرت خرید مردم منجر می‌شود، بلکه می‌تواند نارضایتی‌های اجتماعی و اعتراضات عمومی را نیز به دنبال داشته باشد. رویکرد آقای رئیس‌جمهور در بیان صادقانه مشکلات به مردم، در واقع یک گام مثبت است، اما نیاز به دنبال داشته باشد. رویکرد آقای رئیس‌جمهور در بیان صادقانه مشکلات به مردم، در واقع یک گام مثبت است، اما نیاز به دنبال داشته باشد. برای اینکه این شفافیت به بهبود وضعیت اقتصادی منجر شود، نیاز به راهکارهای عملیاتی و مؤثر وجود دارد. صرفاً بیان مشکلات بدون ارائه راه‌حل‌های مشخص و

## اقتصاد

بر این، دولت باید به نیازهای مردم توجه کند و سیاست‌های اقتصادی را به گونه‌ای طراحی کند که فشار کمتری بر روی اقشار آسیب‌پذیر جامعه وارد کند. این می‌تواند شامل ارائه حمایت‌های مالی، تسهیلات و مشوق‌های اقتصادی برای کسب و کارها باشد تا بتوانند در این شرایط دشوار به فعالیت خود ادامه دهند. به نظر می‌رسد برای خروج از این وضعیت، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ وجود دارد که بتواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند و در عین حال به نیازهای مردم نیز پاسخ دهد.

**« اولویت‌گذاری دولت در سیاستگذاری‌های اقتصادی بر چه مواردی می‌تواند وضعیت اقتصادی در سطح کلان و خرد را بهبود بخشد؟**

در شرایط کنونی، حمایت از سیاست‌های اقتصادی صحیح و کارآمد می‌تواند نقش بسیار مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی کشور داشته باشد. اگرچه آقای همتی به عنوان وزیر پیشین اقتصاد تلاش‌هایی برای تک‌نرخ کردن ارز انجام داد، اما عدم حمایت کافی از این سیاست‌ها و برگردانی او نشان دهنده عدم ثبات و هماهنگی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. سیاست‌های ارزی به شدت بر روی اقتصاد کشور تأثیر می‌گذارد و اگر قیمت ارز به صورت افسارگسیخته افزایش یابد، این می‌تواند به افزایش قیمت کالاها و خدمات منجر شود و در نهایت فشار بیشتری بر روی مردم وارد کند. در این شرایط، ضروری است که دولت و به ویژه رئیس‌جمهور از تیم اقتصادی خود حمایت کند و به سیاست‌های کارآمد و پایدار توجه کند. آقای پزشکشان و دیگر مسئولان باید به شعارهای خود در زمینه‌وافق و توسعه اقتصادی عمل کنند و از سیاست‌هایی که به نفع مردم و اقتصاد کشور است، حمایت کنند. این حمایت می‌تواند شامل ارائه راهکارهای عملی و مؤثر برای کنترل قیمت ارز و بهبود شرایط اقتصادی باشد. برای خروج از این وضعیت، نیاز به یک رویکرد هماهنگ و جامع وجود دارد که شامل حمایت از تیم اقتصادی، نظارت دقیق بر سیاست‌ها و توجه به نیازهای مردم باشد. این اقدامات می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و افزایش رضایت عمومی منجر شود. البته در حال حاضر به نظر می‌رسد که وقتی که دولت سعی می‌کند تا با شعار وفاق به دنبال جلب نظر گروه‌های مختلف باشد، ممکن است تصمیمات و طرح‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که نتوانند به طور مؤثر و هماهنگ اجرا شوند. در واقع، اگر سیاست‌ها و طرح‌ها به صورت جامع و هماهنگ طراحی نشوند، ممکن است نتایج معکوس منجر شوند و به جای بهبود وضعیت اقتصادی، فشار بیشتری بر روی مردم و کسب و کارها وارد کنند. از این رو، ضروری است که دولت و مسئولان به جای تمرکز بر روی شعارها، به دنبال راهکارهای عملی و مؤثر باشند که بتوانند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کنند. این شامل ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف، توجه به نیازهای مردم و ارائه سیاست‌های پایدار و کارآمد است. برای خروج از این وضعیت، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ وجود دارد که بتواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند و در عین حال به نیازهای مردم نیز پاسخ دهد.

**اگرچه آقای همتی به عنوان وزیر پیشین اقتصاد تلاش‌هایی برای تک‌نرخ کردن ارز انجام داد، اما عدم حمایت کافی از این سیاست‌ها و برگردانی او نشان دهنده عدم ثبات و هماهنگی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است**

**« واگذاری اختیارات رئیس‌جمهور به استان‌ها یا بخش خصوصی یکی از رویکردهایی به شمار می‌آید که شاید بتوان از آن برای تسریع و تسهیل امور به کارگرفته شود. نظر و ارزیابی شما در این باره چیست؟**

واگذاری اختیارات رئیس‌جمهور به استان‌ها و همچنین واگذاری امور به بخش خصوصی می‌تواند به کوچک‌سازی دولت کمک کند، اما این اقدامات به تنهایی نمی‌توانند مشکلات اساسی و کلان اقتصادی کشور را حل کنند. مشکلات اقتصادی که کشور با آنها مواجه است، عموماً ریشه‌های عمیق‌تری دارند و نیاز به تصمیمات عاجل و جامع‌تری دارند. اگرچه کوچک‌سازی دولت و واگذاری اختیارات می‌تواند به بهبود کارایی و کاهش بروکراسی کمک کند، اما این اقدامات باید در راستای یک برنامه کلان و جامع اقتصادی انجام شوند تا بتوانند به نتایج مثبت منجر شوند. علاوه بر این، مشکلات اقتصادی کشور به شدت به مسائل سیاسی و روابط بین‌المللی وابسته است. برای حل مشکلات اقتصادی، نیاز به یک رویکرد جامع وجود دارد که شامل بهبود روابط بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ایجاد ثبات سیاسی باشد. دولت باید تمرکز بیشتری بر روی مسائل کلان اقتصادی داشته باشد و به دنبال راهکارهایی باشد که بتواند به بهبود شرایط اقتصادی کمک کند. این شامل ایجاد سیاست‌های پایدار، توجه به نیازهای مردم و کسب و کارها و همچنین ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف است. در این راستا، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ وجود دارد که بتواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند و در عین حال به نیازهای مردم نیز پاسخ دهد. این اقدامات می‌تواند به ایجاد یک اقتصاد پایدار و مقاوم کمک کند که در برابر چالش‌های آینده مقاوم باشد. سیاستهای اجرایی شده تاکنون، مانند تعیین قیمت‌های مختلف برای ارز و سایر کالاها، مانند بنزین، می‌تواند به فساد و رانت‌خواری منجر شود. این رویه نه تنها شفافیت را کاهش می‌دهد، بلکه باعث ایجاد نابرابری و نارضایتی اجتماعی نیز می‌شود. وقتی که قیمت‌ها به صورت غیرشفاف و با معیارهای متفاوت تعیین می‌شوند، این امکان وجود دارد که برخی افراد یا گروه‌ها از این وضعیت سوءاستفاده کنند و به نفع خود بهره‌برداری کنند. به عنوان مثال، در بازار ارز، وجود نرخ‌های مختلف می‌تواند به ایجاد بازار سیاه و افزایش تقاضا برای ارزهای خارجی منجر شود. برای حل این مشکلات، ضروری است که دولت به سمت سیاست‌های شفاف و یکپارچه حرکت کند. تعیین قیمت‌ها باید بر اساس اصول اقتصادی و با توجه به شرایط بازار انجام شود. این شامل ایجاد یک سیستم قیمت‌گذاری منصفانه و شفاف است که بتواند به کاهش فساد و رانت‌خواری کمک کند.